ملغمه ناشناخته

نقدی بر فیلم «مسخره‌باز»
به بهانه ورود این فیلم به شبکه نمایش خانگی

محمد علی محمدپور

در عالم هنر، هرگاه خالقِ اثر حین خلق، مرعوب کار خودش شود آن اثر دچار اشکال اساسی می‌شود. به‌نظر می‌رسد آنچه مقدم بر هر چیز فیلم «مسخره‌باز» را دچار مشکل کرده است همین هیجان‌زدگی و ذوق عجولانه فیلم‌ساز در عملی کردن ایده‌اش بوده است. معلوم است وقتی زیادی از کارمان خوشمان بیاید در ایده خودمان شکست می‌خوریم. اولین سؤالی که باید پرسید این است که چرا فیلم‌ساز خیال می‌کند این ایده را باید به جای تئاتر به سینما می‌آورد؟ اشتباه نشود طبیعتا منظور نفی تجربه‌گرایی یا ساخت اثری با اجرای خاص نیست بلکه مسئله این است که سازنده اثر هنری باید پیش از هر چیز، مدیوم خودش را بشناسد. شناخت سینما برای کسی که می‌خواهد فیلم بسازد به‌تنهایی با تماشای چند فیلم و حتی فیلم‌باز بودن حاصل نمی‌شود. هنرمند برای حرکت از تئاتر به سینما باید دوربین و کار کردن با آن را فراگرفته باشد.

«مسخره‌باز» فیلمی طولانی، پرادا، چهل‌تکه و حوصله‌سربر است که در همان بیست دقیقه اول تکراری می‌شود. چهل‌تکه بودن فیلم از تلاش فیلم‌ساز برای گنجاندن تمام نوستالژی‌ها، ایده‌های آنی، نمادپردازی‌ها و ارجاعات سینمایی‌اش حاصل می‌شود. پرادا بودن هم در بازی بازیگران به‌شدت متبلور است طوری که به سبک آن دیالوگ تکرارشونده‌اش درباره مو، باید گفت: «تمام فیلمتان را ادا برداشته». البته بازی غلوشده لزوما بد نیست اما وقتی در خدمت کل منسجمی درنمی‌آید، بازیگرانی می‌بینیم که با رفتارهای عصبی و تکرارشونده زور می‌زنند متفاوت جلوه کنند. اینکه لوکیشن را آرایشگاه نگه‌داریم، یک صاحب آرایشگاه غرغرو، یک جوان با سوابق سیاسی و یک مفتش بگذاریم و خیال کنیم نمادپردازی کرده و حرف بزرگ زده‌ایم از اساس راه را اشتباه رفته‌ایم. نماد آگاهانه و با چینش ساخته نمی‌شود. نمادی اگر باشد از فرم اثر برمی‌آید بدون اراده آگاهانه هنرمند. نمی‌شود با موزر سبیل‌ها را زد و نماد ساخت یا از کله شستن و کله‌های کثیف چیزی را به جهان بیرون تعمیم داد.

حتی بستر تاریخی بخشیدن به فیلم هم کمکی به شکل‌گیری یک هویت برای فیلم نکرده است. بنابراین نه‌تنها احضار شخصیت ابوالفتح هزاردستان اتفاق می‌افتد که اساسا می‌توان کریم آب‌منگل، حاجی‌فرصت، رضا پونصد و خیلی‌های دیگر را وصله به فیلم کرد. آخر، ارجاع هم قواعد خودش را دارد. ارجاع پیش و بیش از هر چیز، باید در خدمت یک سیر اصلی در فیلم باشد. اینکه شما یک در چوبی بیابید با تبر به جانش بیفتید سوراخ کنید و بازیگرتان سرش را جک نیکلسون‌وار داخلش بگذارد به معنی ارجاع سینمایی به فیلم «درخشش» نیست. اینکه وقتی بازیگر سرش را از حفره توی کمد درآورد، موسیقی متن فیلم «پاپیون» را پخش کنید هم معنی‌اش ارجاع نیست. اگر ارجاع این باشد که نه ۱۰۰ دقیقه بلکه ۵۰۰ دقیقه می‌توان همین گونه ادامه داد.

اینکه «اغذیه‌فروشی» ژان پیر ژونه را دیده باشیم فضا و ایده‌اش را بگیریم، اینکه «امیلی پولن» همین فیلم‌ساز را دیده باشیم و تدوین، صداگذاری و کلوزآپ‌های دفرمه شده را از آن تقلید کنیم، کمی وس اندرسن دیده باشیم، کمی کوئن‌ها و به خصوص فیلم «مردی که آنجا نبود» (که آن هم از قضا لوکیشن آرایشگاه یا به قول کاظم‌خان سلمانی دارد)، کمی تارانتینو، ماتریکس و اینکه با کازابلانکا و پاپیون خاطره داشته باشیم، هیچ‌کدام ما را سینمایی نمی‌کنند و هیچ امتیازی برای فیلم محسوب نمی‌شوند، مگر اینکه قبلش بدانیم با چه هدفی می‌خواهیم به کارشان ببریم. آنچه «مسخره‌باز» از آن رنج می‌برد یک کل منسجم نشده است. چون نه مسئله‌ای دارد، نه داستانی، نه شخصیت‌پردازی و نه شناختی از چیزی که ادعایش را دارد؛ پست مدرن بودن فیلم هر مقطع زمانی‌اش چیزی را شروع می‌کند و جایی رها می‌کند. قطعا صدای صابر ابر و آن بغض پنهانش، جان می‌دهد برای راوی بودن اما این یک دلیل کافی برای صدای راوی گذاشتن نیست وقتی در ادامه فیلم راوی را گم می‌کنیم. فیلم، نه ماجرای عشق بازیگری بودن شخصیت دانش را پی می‌گیرد نه داستان قتل‌ها را به شکل درستی طرح می‌کند. همه چیز بیشتر به یک وقت‌گذرانی باری‌به‌هرجهت شبیه است که بارها به نقطه پایان می‌رسد اما ادامه می‌یابد. لابد چون فیلم‌ساز اراده کرده ۱۰۰ دقیقه را پر کند. فیلم از لحاظ فضا مغشوش است. اوج مغشوش بودن فضای فیلم را می‌توانیم آنجا ببینیم که ناگهان آهنگ «مرا ببوس» با آهنگ «Crazy» بارکلی مخلوط می‌شود و لحظاتی آزاردهنده را خلق می‌کند.

ممکن است بعضی بگویند ذکر نکردن طراحی صحنه خوب، جلوه‌های ویژه تماشایی، صداگذاری مطلوب در بعضی صحنه‌ها بی‌انصافی در حق فیلم است اما در پاسخ باید گفت وقتی کل فیلم اساسا خوب نیست یک طراحی صحنه خوب به چه کار می‌آید و اصلا مگر چنین خوب بودنی جدای از کلیت اثر معنی می‌دهد؟ در نهایت باید گفت ماندگاری فیلم را گذر زمان تعیین می‌کند. اگر فیلم پس از گذشت یکی دو سال بین این همه اثر بی‌ارزش سینمای ایران هم چیزی از آن در یادها نمی‌ماند یعنی بهتر است فیلم‌ساز پیش از اجرایی کردن ایده‌های لحظه‌ای خودش، کمی بیشتر تأمل کند و این همه برای پست‌مدرن شدن در سینما عجله نکند.

گزیده‌ای از فیلم‌های سینمایی شبکه‌های مختلف صدا و سیما که امروز ۸ مرداد روی آنتن تلویزیون می‌روند.

نام فیلم	شبکه	ساعت
کاراگاه کونان	امید	۹
لانه خرگوش	چهار	۱۰:۳۰
همه مردان رئیس جمهور	نمایش	۱۱
گوشی قرمز	نمایش	۱۳
سه راهزن	کودک	۱۴
مردان کوهستان	نمایش	۱۵
شکار هیولا (قسمت دو)	نمایش	۱۷
زمین بازی	امید	۱۷:۴۵
تاریکترین ساعت	نمایش	۱۹
قاتلین پیرزن	نمایش	۲۱
چشم انداز	نمایش	۲۳

فیلم‌برداری فیلم‌سینمایی «کوسه» به کارگردانی علی عطشانی و تهیه‌کنندگی سیدمحمد احمدی که یک ماه پیش آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد و به تازگی آسیاتاشکین بازیگر کشور ترکیه نیز به جمع بازیگران این فیلم اضافه شده است.

هیچ‌نشانی از هنرمندان استان‌ها نداریم

هوشنگ جاوید مدرس، پژوهشگر و کارشناس شناخته شده موسیقی نواحی ایران با انتشار یادداشتی درباره برخی سیاست‌های مدیریتی ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها در حوزه موسیقی نواحی به طرح مواضعی انتقادی پرداخت. به گزارش خبرگزاری مهر در یادداشت هوشنگ جاوید آمده است: «من همواره از همان ابتدای ایجاد پستی به نام مسئول موسیقی در ادارات استانی وزارت ارشاد پرسیدم: کار این‌ها چیست؟ اگر قرار باشد این مدیران پشت میزنشین باشند و کارت ورود و خروج بزنند هیچ اتفاقی در موسیقی استان‌ها نخواهد افتاد. همین هم شد، بعد از چهل سال، هیچ نشانی از هنرمندان به طور جدی در استان‌ها نداریم، این در حالی است که ده‌ها بار بانک اطلاعاتی هنرمندان تشکیل شد، اما الان ناکارآمدی آن‌ها هم به چشم می‌آید، چون با تعویض مدیریت‌ها به طور کلی این گردآوری اطلاعات به فنا رفته و روز از نو روزی از نو. من بر این باورم وقت یک بازنگری مجدد در دستور کار دو عنوان مسئولیت در ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی فرارسیده، یکی مسئول موسیقی، دیگری مدیر امور هنری. من معتقدم این افراد باید از قید پشت میز نشستن خلاص شوند و مدام در استان به سرکشی و شناسایی و ثبت هنرمندان واقعی فعال بپردازند تا پس از یک برنامه‌ریزی دقیق دیگر نیازی به این گونه گله‌گذاری‌ها به وقت لازم و عقده‌گشایی‌ها نباشد.»

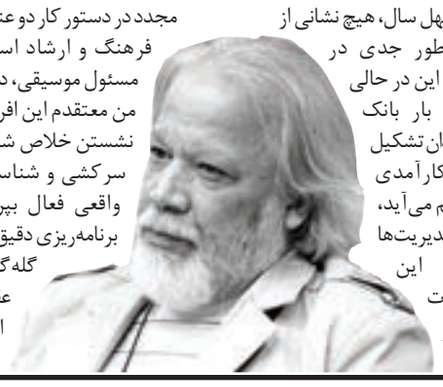

او در بخش دیگری از یادداشت خود با اشاره به ویدئوی منتشر شده از حیدرعلی عاشق هنرمند خراسانی و استاد نوازندگی کمانچه و سرنای کردی (کرمانجی) از روی تخت بیمارستان آورده است: «کاش ماجرای حیدرعلی عاشق استادی که در روزهای گذشته از او در رسانه‌ها مسائلی درباره بیمه و درمان او مطرح شد، تنها دغدغه ما بود. اما همین الان نزدیک به دست‌کم دویست هنرمند پیش‌کسوت استان‌ها در بدترین وضعیت معیشتی و بیماری به سر می‌برند و تا یک نفر یک خبری کار نکند و کسی چیزی نگوید، روال همان است که بود.»

صدای اندوه عام و خاص

درباره محسن چاوشی از زندگی در شهرک عرب‌ها تا تولد ۴۱ سالگی در اوج قله خوشبختی

زندگی با موسیقی

قاسم فتحی
gh.fathi@shahraranews.ir

در تاریخ موسیقی ایران احتمالا محسن چاوشی باید اولین خواننده‌ای باشد که خواسته یا ناخواسته از هر استیجی فرار می‌کند. او تمام تلاشش را می‌کند تا دیده نشود، به‌ندرت تن به مصاحبه می‌دهد و مهم‌تر از هرچیزی از برگزاری کنسرت ابا دارد. این آخری باعث سرکوفت‌های بسیاری شده است و او به تقلب و دست‌کاری در صدا و اداواطوارهای مختلف متهم شده است. چاوشی نه با پول پدرش خواننده شده و نه با زور شرکت‌های تبلیغاتی. چیزی حدود ۱۵ سال از آن روزی که همسایه‌ها به پلیس شکایت کردند که دو، سه جوان توی خانه بغلی دادوهوار راه انداخته‌اند و استودیوی موسیقی وسط خانه‌های مسکونی به راه انداخته‌اند می‌گذرد. مصائب نبود استودیو سختی کارش را صدها برابر کرد. بااین‌حال او در همین استودیوهای زیرزمینی گل کرد و به شهرت رسید. جنس صدایش طوری است که هرقدر بخواهد آهنگ شش‌وهشتی بخواند باز غمگین و افسرده نشان می‌دهد. برای همین، هوادارانش گمان می‌کنند او در سال روزی ده‌بار شکست عشقی می‌خورد و حالا می‌آید دادوفغانش را سر مستعمانش می‌کشد. برگزار نمی‌کند: «می‌گویند وقتی آدم به دنیا می‌آید تا دوسالگی همه سویه‌های شخصیتی‌اش شکل می‌گیرد. رفتار و شیوه و شخصیت آدم‌ها از بدو تولدشان شکل می‌گیرد. مثلا «زانکو» پسرم بادبادک را می‌گیرد جلوی صورت من و بی‌هوا آن را می‌ترکاند و قاه‌قاه هم می‌خندد، اما من وحشت می‌کنم و دومتر می‌پرم هوا. چون از همان نوزادی هر صدای بلندی برای من معنی‌اش صدای بمباران بود. از بس که صدای تیر و ترکش و بمب و خمپاره توی مغزم نشسته بود. مادرم می‌گوید صدای هواپیما که می‌آمد تو جیغ می‌زدی.» حالا نبودن او در انظار عمومی و کنسرت برگزار نکردن تبدیل شده به یکی از شاخصه‌های منفی و مثبت چاوشی در بین هوادارانش. نبودن سکوتی که گه‌گاه به تصویر و شعر و جمله‌ای در فضای مجازی شکسته می‌شد و بیشتر به ابهام و رازآلودگی‌اش اضافه می‌کرد. کار حتی به‌جایی رسید که او برای کمک به آزادی زندانیان نه تبلیغی می‌کرد و نه وارد بازی‌های نمایشی باقی را انتخاب کرد که در بیم منتقدانش به ناپختگی و ترس و این کاره‌نبودن تعبیر می‌شد. به اینکه صدایش دستگاهی است. او ولی ترجیح داد سکوت کند.

> **جنس صدای چاوشی طوری است که هرقدر بخواهد آهنگ شش‌وهشتی بخواند باز غمگین و افسرده نشان می‌دهد. برای همین، هوادارانش گمان می‌کنند او در سال روزی ده‌بار شکست عشقی می‌خورد و حالا می‌آید دادوفغانش را سر مستعمانش می‌کشد**

سکوتی که گه‌گاه به تصویر و شعر و جمله‌ای در فضای مجازی شکسته می‌شد و بیشتر به ابهام و رازآلودگی‌اش اضافه می‌کرد. کار حتی به‌جایی رسید که او برای کمک به آزادی زندانیان نه تبلیغی می‌کرد و نه وارد بازی‌های نمایشی باقی هنرمندان می‌شد که تا تقی‌به‌توقی می‌خورد عالم و آدم را از کارهای به اصطلاح عام‌المنفعه‌شان آگاه می‌کردند. امّا قصه برای او شکل متفاوتی داشت. آن‌قدر که یک خبرنگار حوزه موسیقی بعد از مدت‌ها خبر کمک او به آزادی زندانیان را منتشر کرد و تازه بعد از این بود که چاوشی از مخاطبانش برای رهایی آدم‌ها از اعدام، به شیوه خودش، شروع کرد به کمک جمع کردن. اما همچنان چرایی برگزارنکردن کنسرت به مهم‌ترین پرسش هواداران و منتقدان او تبدیل شده است. او البته چندباری با دوربین تلفن همراهش و البته در یک زاویه عجیب‌وغریب که به‌نظر فقط مختص خودش است اجرای زنده خیلی کوتاهی داشت که خیلی باب‌میل نبوده و نتوانست کسی را قانع کند. او در گفت‌وگویی درباره اینکه چرا کنسرت برگزار نمی‌کند صریحا نظرش را گفته بود: «اینجا کنسرت بیشتر به جُنگ شادی می‌ماند تا کنسرت موسیقی. برف شادی بزنند و یک‌باره از توی جعبه در بیایند و روی سن ظاهر شوند.» چاوشی تا سال ۸۷ که مجوز گرفت کسی به آن چندتا تک‌آهنگ جسته و گریخته و البته خیلی شنیده شده اهمیتی نمی‌داد. او یک خواننده زیرزمینی محسوب می‌شد ولی همین که توانست مجوز بگیرد با آلبوم «یه شاخه نیلوفری» سروصدایی ایجاد کرد و از او به‌عنوان یک پدیده موسیقی یاد کردند. بعد از گرفتن مجوز او ترجیح داد به جای اینکه مثل همه

کارتون‌ها از حقوق شهروندی می‌گویند

پویش اجتماعی «از حق نگذریم» این روزها با طرح‌هایی از علیرضا پاکدل در سطح شهر اکران شده است

هنر شهری

شکیبا افخمی راد
sh.afkhami@shahraranews.ir

چندی روزی می‌شود که پویش اجتماعی «از حق نگذریم» به همت اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری مشهد در سطح شهر آغاز شده است. پویشی که هدفش آشنایی مردم با حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی است.

به گفته سرپرست اداره اطلاع‌رسانی شهرداری، پویش اجتماعی «از حق نگذریم» هم‌زمان با سالگرد تصویب منشور حقوق شهرنشینی در شورای اسلامی شهر مشهد راه‌اندازی شده است تا به نوعی تلنگری به مردم در یادآوری حقوقشان باشد.

میلاد رهنما همچنین یادآور می‌شود: در این پویش ۷۰ استرابرد در قالب ۹ طرح با مضمون بندهای منشور حقوق شهرنشینی و ۷۵ بیلبورد نیز در قالب ۹ طرح با مضامین دیگری از بندهای حقوق شهرنشینی در نقاط مختلف شهر نصب شده‌اند. همچنین تلویزیون‌های شهری نیز در چهارچوب پویش اجتماعی «از حق نگذریم» اکران‌هایی با مضمون حقوق شهرنشینی دارند. یکی از تفاوت‌های این پویش با دیگر پویش‌های سطح شهر در استفاده از کارتون برای انتقال مفاهیم است. می‌توان گفت که این اولین‌باری است که در پویش‌های این چنینی از کارتون استفاده می‌شود. هنری که همیشه نشان داده می‌تواند ارتباط خوب و سریعی با مردم برقرار کند. علیرضا پاکدل کارتونیست مشهدی که افتخارات زیادی در سطح ملی و بین‌المللی در کارنامه خود دارد، هنرمندی است که برای این پویش کارتون طراحی کرده است.

استفاده از کارتون برای اولین بار

پاکدل درباره چگونگی طراحی برای این پویش توضیح می‌دهد: هدف از این پویش آشنایی بیشتر مردم با حقوق شهروندی است. با توجه به نقطه‌نظراتی که مسئولان شهردای داشتند، مطالب و موضوعاتی به من ارائه شد و من سعی کردم درباره آن‌ها، کارتون‌هایی با هم‌فکری و هماهنگی شهرداری و آنچه خودم از این موضوعات استنباط کرده بودم طراحی کنم.

او با اشاره به اینکه حدود ۹ طرح برای پویش اجتماعی «از حق نگذریم» ارائه کرده است می‌گوید: در این کارتون‌ها به موضوعات مختلفی مثل امکانات رفاهی برای کودکان، خدمات مترو، ارائه خدمات به زائران و محیط زیست پرداخته‌ام. همچنین در کنار این طرح‌ها شعارهایی که از سوی مسئولان شهرداری تهیه شده بود به صورت گرافیکی قرار گرفته است.

این کارتونیست با بیان اینکه شهرداری مشهد اولین بار است که در این نوع فضا و برای این گونه موضوعات از کارتون و کاریکاتور استفاده می‌کند، یادآور می‌شود: در پویش‌های قبلی معمولا از عکس و گرافیک استفاده شده بود. من با تمام احترامی که برای این دو گروه قائل هستم، ولی فکر می‌کنم خیلی در ذهن مخاطب عام ماندگار نشدند و فکر می‌کنم استفاده از کارتون در پویش می‌تواند آن را ماندگار کند. چون کارتون تأثیرگذاری خیلی زیادی بر مخاطب عام و بخش‌های مختلف جامعه دارد و همیشه در ذهن می‌ماند.

> **کارتون خیلی خوب می‌تواند با ایجاد جذابیت‌های تصویری و برقراری ارتباط سریع با مخاطب، مردم را درباره موضوعات مختلف آگاه و به نهادینه شدن برخی موضوعات در جامعه کمک کند**

او تأکید می‌کند: البته در این روزها مخاطب عام به دلیل شیوع بیماری کرونا رفت و آمد زیادی در سطح شهر ندارد. از این‌رو شرایط با زمان اکران دیگر پویش‌ها متفاوت و عرصه نابرابر است. با این حال فکر می‌کنم با همین محدودیت‌های تردد در شهر، پویش اجتماعی «از حق نگذریم» تأثیر بیشتری نسبت به قبلی‌ها داشته باشد.

ظرفیت بالای کارتون در آگاهی‌بخشی

پاکدل با اشاره به همکاری‌های پیشینش با سازمان زیباسازی شهر تهران برای چنین پویش‌هایی با موضوعات مختلف می‌گوید: خیلی دوست داشتم این اتفاق را در مشهد ببینم که خدا را شکر رخ داد و امیدوارم که بازخورد خوبی بگیریم.

او با ابراز امیدواری برای استفاده از کاریکاتور و کارتون در همه پروژه های فرهنگی شهرداری خاطرنشان می‌کند: من آثاری با موضوع کرونا کشیده بودم که بدون رفتن روی بیلبورد و به صورت شخصی پخش و خیلی دیده شد. این موضوع نشان می‌دهد که کارتون خیلی خوب می‌تواند با ایجاد جذابیت‌های تصویری و برقراری ارتباط سریع با مخاطب، مردم را درباره موضوعات مختلف آگاه و به نهادینه شدن برخی موضوعات در جامعه کمک کند.

این کارتونیست همچنین یادآور می‌شود: مشهد یکی از قطب‌های بزرگ کارتون در دنیاست و کارتونیست‌های بزرگ بسیاری در این شهر فعالیت می‌کنند ولی متأسفانه در این سال‌ها به این رشته که می‌تواند در فضای عمومی جامعه در بخش‌های مختلف کمک کننده باشد، کمتر توجه شده است.

پاکدل با تأکید بر ظرفیت بالای کارتون در نشان دادن مباحث شهری می‌گوید: یکی از مهم‌ترین ابزارها در مباحث شهری که می‌تواند از لحاظ آموزشی و فرهنگ‌سازی مؤثر باشد کارتون است و از این‌رو همه‌جای دنیا و همچنین در تهران خیلی از این قضیه استفاده می‌کنند. بنابراین جا دارد که از این ابزار در شهر مهمی مثل مشهد نیز بهره برده شود.

او ابراز امیدواری می‌کند که استفاده از طرح‌های کارتونی در پویش «از حق نگذریم» بتواند شرایطی فراهم کند که بخش‌های مختلف نهادهای متولی فرهنگ در همه حوزه‌ها سمت این رشته بیایند و از آن استفاده کنند.